



گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین امیر گلپور، مسئول کارگاه‌های آموزشی مرکز قرآن و حدیث حوزه‌های علمیه سراسر کشور

اگر این ۵ ستون نباشد قضاوت در ست فرو می‌ریزد

■ محمد مهر

اگر دقت کرده باشید انسانی را یافت نمی‌کنید که در معرض قضاوت قرار نگیرد، حتی اگر هر روز به همه‌دیگر توصیه کنیم که درباره دیگران قضاوت نکنیم! اما این اتفاق مکرر روی می‌دهد. قضاوت و داوری اگر حرفه برخی از آدم‌ها باشد که به خاطر آن دستمزد می‌گیرند و در اداره و سازمانی استخدام می‌شوند که درباره

جناب گلپور! ما به صورت روزانه و مکرر در ریز و درشت زندگی‌مان گاه دچار پیش‌داوری‌هایی می‌شویم که ممکن است ما را به سمت سو به‌های تاریک زندگی بکشاند و نشانی‌های غلطی از افراد به ما دست بدهد. برای اینکه از این عادات پر هیز کنیم به نظر می‌رسد که در گام اول ضروری است اول از همه به شناخت صحیحی از جوانب امر برسیم و تحلیل درستی از پدیده پیش‌داوری داشته باشیم. اگر بخواهیم به تعریف جامع و کوناه‌ی از پیش‌داوری برسیم چه نکاتی برجسته خواهد بود؟

پیش‌داوری عبارت است از نگرش غیر متصفانه و منفی به شخص یا گروه‌ی به خاطر پذیرش غیر منطقی پیش‌فرض‌های غلط در ذهن قضاوت‌کننده. اما در مقابل قضاوت صحیح و اخلاقی محور قضاوتی است که اصول و معیارهای اخلاقی در آن رعایت شده است. حال باید بدانیم که این معیارها کدامند؟ من می‌گویم که در این مجال به پنج شاخص و معیار مهم در این باره اشاره کنم. پنج ستونی که قضاوت درست بر آن استوار است.

معیار اول درباره قضاوت این است که داوری باید از روی حس باشد، نه بر اساس شنیده‌ها. چراکه فاصله بین حسی و باطل به اندازه چهار انگشت است، یعنی به اندازه فاصله چشم که می‌بیند و گوش که می‌شنود و شنیدن کی بُود مانند دیدن! ضمن اینکه حتی به همه دیده‌ها هم نمی‌شود اعتنا و استناد کرد. گاهی شخص یک حرفی می‌زند یا کاری می‌کند ولی اصلاً منظور بدی نداشته اما شخص ببینند و شنونده مستقیم، برداشت بدی می‌کند.

امام باقر(ع) می‌فرماید حتی اگر کسی کار اشتباهی کرد تا ۷۰ بار کار او را توجیه کنید، مثلاً بگویید در عالم خواب بوده، بیمار بوده، منظورش من نبوده است، مجبورش کردند و نظایر آن.

معیار دوم بررسی همه جوانب امر است به این معنا که

شخص را در ک کنیم، مثلاً حرف‌های شخص داغدیده و

مادر فرزند از دست داده را به قضاوت نمی‌نشینند! اگر تندی و ناراحتی هم کرد، نادیده گرفته می‌شود.

سومین مؤلفه تأثیر گذار در این باره این است که: قبل از قضاوت و پیش‌داوری به درستی و صحت خبر اطمینان پیدا کنیم، چراکه ممکن است خبر آورنده دروغ بگوید یا همه واقعیت را نگوید یا ممکن است قسمتی از خبر را درست درک نکرده باشد، یا قسمتی از آن را فراموش کرده باشد. قرآن در این باره در آیه ۶ سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قُتُوبًا يَبْغَىٰ آلَ الْمُؤْمِنِينَ عَمَلًا فَقَدْ أَلَمْنَا عَلَىٰ كَسَائِكَ أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّغْوِ وَاسْتَأْذِنُوا فَمَا لِلْغَوَىٰ مِن شَيْءٍ وَاللَّهُ يَخْتَارُ»

پیش‌داوری‌ها بیزار از یم چه مؤلفه‌هایی قابل

ذکر است؟
بله ممکن است کسی این پرسش را مطرح کند که ریشه اصلی پیش‌داوری‌ها چیست؟ به نظر می‌رسد پیروی از هوای نفس، قدرت‌طلبی، فراموشی، فراموشی خدا، لجاجت، جهل، تکبر، حسادت، حرص علل اصلی پیش‌ظوری هستند. از بین این عوامل سه صفت تکبر، حسادت و حرص ریشه همه رذائل اخلاقی است، یعنی قدرت‌طلبی به خاطر حرص است و از آن سو پیروی از هوای نفس به خاطر حسادت یا تکبر.

پرونده‌هایی به داوری بنشینند اما در یک دید وسیع تر می‌بینیم بسیاری از ما هر لحظه در معرض داوری و قضاوت قرار می‌گیریم و هر اندیشه و گمان و فکری که به ذهن انسان خطور می‌کند در واقع شاهین ترازویی است که به چپ و راست می‌چرخد و وضعیتش را رقم می‌زند، بنابراین شناخت صحیح از این پدیده می‌تواند به ما در رسیدن به منطقی درست در زندگی و تعاملات خود با دیگران کمک

توضیح می‌فرماید که تکبر یا فرض کنید حسادت چطور می‌تواند وضعیتش را در انسان رقم بزند که آن وضعیت منجر به پیش‌داوری‌های ویرانگر شود؟

شما نگاه کنید که چطور سلطان که همزار سال خدارا عبادت کر کرده بود به سبب تکبر از مقام خود اخراج شد.

خودبر تربیتی یکی از عوامل مهمی است که موجب پیش‌داوری می‌شود که با مراجعه به کتب اخلاقی مثل کتاب «گناهان کبیره» که شهید دستغیب یا کتاب «مراجعات الساعده» مرحوم مرتضی باستانی به معالجه آن پرداخت.

بهترین راه و نسخه درمان به نظر شما چیست؟

بر اساس خطبه فدکیه حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(س) بهترین راه درمان اقامه نماز است. نماز یا خشوع و توجه به همراه اشک و ناله به درگاه خدای سبحان. کسی که موفق به خواندن نمازی خاشعانه می‌شود، در واقع به عجز و فقر و ضعف وجودی خود پی برده و کنسی که خود را به عجز و خدارا به عظمت و بزرگی بشناسد، تکبر نخواهد داشت. نماز خاشعانه بر توی از مناجات عارفانه امیرالمؤمنین در مسجد کوفه است که انت‌المالک وانا انت‌القوی و انا الضعیف و هل یرحم‌المملوک الا‌المالک. مولای‌یامولای انت‌القوی و انا الضعیف و هل یرحم‌الضعیف الا‌القوی. حسادت یکی دیگر از عوامل پیش‌داوری است. ذیله اخلاقی که بسیار خطرناک است. قبایل به سبب حسادت نسبت به برادرش اولین جنایت و گناه تاریخ را مرتکب شد.

حرص و طمع همان عاملی بود که شیطان به وسپله آن و با حيله و نیرنگ و قسمی که بر آن افزود، توانست حضرت آدم ابوالبشر(ع) را به سوی درخت ممنوعه سوق دهد و او را از جایگاهش به زمین هیوط دهد.

بیکاری و فراغت زیادی داشتن موجب می‌شود انسان خودش را فراموش کند و به‌جای پرداختن به خودش، دیگران را قضاوت کند. قدرت‌طلبی یکی دیگر از رذایلی است که ما را به پیش‌داوری‌های ناصحیح می‌کشاند.

سبک‌زندگی

سبک‌زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

انگیزه‌ها، عوامل و آسیب‌های خرافات

سر دیگران شیره می‌مالند

سر خود را دوا نمی‌کنند

به رمالان و طالع‌بینان از آنها درخواست کمک می‌کند و سرنوشت خود را به آنها می‌سپارد. وقتی با دقت نگاه کنید اکثرآ در جاهای پرت یا دخمه‌ها یا زیرزمین‌ها مشغول کار هستند و در مقابل راهکارهایی نامناسب و غیرمغول پول دریافت می‌کنند که با انجام راه‌حل‌های پیشنهادی آنها نه تنها مشکل حل نمی‌شود بلکه مشکلات عدیده هم پیش می‌آید که منجر به اختلافات بین فردی و تضعیف بنیان زندگی فرد و گاهی زوال روابط می‌شود.

خیلی از خانواده‌ها دیده شده به دلیل خوراندن چیزهایی که رمالان به آنها می‌دهند همسران و فرزندان خود را مسموم کرده و حتی راهی بیمارستان می‌کنند، بدین ترتیب اضطراب و سردردی در فرد بیشتر می‌شود و احساس سرخوردگی و عدم توانایی در فرد بروز پیدا می‌کند. همچنین از آنجا که زندگی در یک جامعه باعث تأثیرپذیری فرهنگی افراد از یکدیگر است، فردی که معتقد به خرافات است احتمالاً هموعنان خود را در پذیرش این چنین عقایدی تشویق می‌کند و بدین صورت است که هم عقاید خرافی و هم مشاغل سیاه مانند کف‌بینی و طالع‌بینی و رمالی

و کلاهبرداری از افرادی که آمادگی مستمر برای پذیرش خرافات دارند در جامعه رواج پیدا می‌کند. شاخه دیگر خرافات، اجتماعی بوده و دامنگیر کل جامعه است. حتی پیشینه تاریخی آن را می‌توان به سال‌های دور بازگرداند. زمان حضرت ابراهیم(ع) که آیین بت‌پرستی رایج بود و حتی زمان حضرت محمد(ص) که با خرافه‌پرستی و آیین‌های غیرمنطقی دست به سوءاستفاده از جهل مردم می‌زدند و از همان زمان مسازره علیه این خرافات انجام می‌گرفته‌است زیرا اگر جلوی آن رانمی‌گرفتند این جهل باعث به وجود آمدن آسیب‌های بسیار جدی برای مردم جامع خود می‌شد.

■ چگونه با خرافات مقابله کنیم؟

از آنجایی که خرافات در هر بافت اجتماعی تأثیرپذیر از فرهنگ عمومی اجتماع است و تفاوت این اعتقادات بستگی به طبقه اجتماعی و فرهنگی افراد دارد برای مبارزه با اعتقادات خرافی اسپیرسان باید راهکارهایی را اجرا کرد.

آگاه‌سازی مردم: افراد در معرض خطر یا توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شناسایی شوند



و از طریق آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی و علمی و همچنین کمک به شناخت افراد نسبت به ویژگی‌های شخصیتی خود و ارائه راهکارهایی مناسب جهت کنترل اضطراب و تنش به وجود آمده در موقعیت‌های مختلف و مراحل زندگی تشویق شوند.

استفاده از مشاوران و روانشناسان برای حل مشکلات: افراد برای کمک گرفتن از روانشناس و مشاوران در این زمینه‌ها جهت حفظ آرامش و رویارویی منطقی با مشکلات به وجود آمده می‌توانند از آثار زیابطار خرافات در زندگی شخصی و اجتماعی و فرهنگی خود جلوگیری کنند.

رسانه‌ها: برنامه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند برای آگاه‌سازی مردم بسیار مفید باشند. ساختن برنامه‌های مستند در مورد خرافات و آثار مخرب آنها بسیار مفید خواهد بود و می‌توان خانواده‌ها را آگاه کرد که برای حل مشکل خود به جای رمالان نزد روانشناسان و مشاوران بروند.

و حرف آخر اینکه بایبیم به جای صرف وقت و هزینه‌های گزاف و بیهوده برای افکار خرافی یا افزایش آگاهی و دانش خود و همچنین دریافت راهکارهای مناسب از مشاورین متخصص برای حفظ آرامش و قدرت تسلط بیشتر در حل منطقی مسائل تنش‌زا در هر مرحله‌ای از زندگی از رواج خرافات و تعارضات پرستی در زندگی شخصی و اجتماعی خود جلوگیری کنیم. زیرا آسیب‌های اینگونه افکار می‌تواند بنیان خانواده را مورد آسیب قرار دهد و حتی برای فرزندانمان مخرب باشد.

به‌این‌موضوع فکر کنیم که اگر ایسن رمالان و کف‌بینان و طالع‌بینان می‌توانستند کمکی کنند بایسرنوشتی را تغییر دهند مطمئناً در اولین فرصت این کار را در حق خودشان می‌کردند که محتاج کلاهبرداری و سوءاستفاده از سادگی و جهل مردم از این طریق نباشند و بتوانند زندگی راحت و بدون دغدغه داشته باشند و به قول معروف اگر طریب بودند سر خود را دوا می‌کردند و سر دیگران شیره نمی‌مالیدند.

■ رضوانه عظیمی‌نیا

از آنجا که خرافات با فرهنگ اجتماعی هر کشور پیوند دارد تعریف دقیق و کاملی نمی‌توان برای آن ارائه کرد، همچنین همه اعتقادات سنتنی و آیین‌ها را نمی‌توان جزئی از خرافات پنداشت پس بهتر است خرافه را هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس بدانیم. از نظر روانشناسان زمانی که فرد در موقعیت‌های حساس قرار می‌گیرد و امکان کنترل به آن محیط کم می‌شود و فرد نسبت به آینده بی‌اعتماد می‌شود به خرافات بیشتر گرایش پیدا می‌کند. وقتی فرد از شرایط زندگی خود ناراضی است و نمی‌تواند آن را تغییر دهد به دنبال راهی است که از این فشارها رهایی پیدا کند و به علت فشار زیاد قدرت تصمیم‌گیری فرد پایین می‌آید و به دنبال عقاید خرافی می‌رود. فرد می‌خواهد از این طریق از اضطراب و تشویش پیش آمده رها شود و به احساس آرامش برسد که در این افراد خرافات به‌عنوان عاملی کاذب عمل می‌کند.

■ ■ ■

■ انواع و انگیزه‌های خرافات

طبق تحقیقات و مطالعات انجام شده از سوی محققان و اندیشمندان این حوزه بیشتر رفتارهای خرافی در افراد فوق‌العاده متعصب و طبقه پایین جامعه و افراد دارای سطح هوش و تحصیلات پایین و همچنین افرادی که دارای‌والدین بسیار سختگیر و خشک هستند دیده می‌شود.

سه انگیزه مهم و اساسی در به‌وجود آمدن خرافات عبارت است از:

ترس که می‌تواند نوع غیر معمول آن باشد و فرد برای رهایی از آن به دنبال خرافات برود. مثل ترس از ارواح یا موجودات فرازمینی که ساخت فیلم‌ها نیز در این موارد خود زمینه‌استفاده از خرافات می‌شود یا حتی وقتی فرد در مورد آینده بی‌اعتماد است و به توانایی خود اطمینان ندارد سردرگم و دچار ترس می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود که برای کاهش استرس خود به کف‌بینی و رمالی روی آورد.

جهل نیز یکی دیگر موارد کاربردی در خرافات است. طوری که فرد به اشتباه به جای استفاده



بیابیم به جای صرف وقت و هزینه‌های گزاف و بیهوده برای افکار خرافی با افزایش آگاهی و دانش خود و همچنین در یافت راهکارهای مناسب از مشاورین متخصص برای حفظ آرامش و قدرت تسلط بیشتر در حل منطقی مسائل تنش‌زا در هر مرحله‌ای از رواج خرافات و پرستی در زندگی شخصی و اجتماعی خود جلوگیری کنیم

از روش درست برای حل مشکل دست به خرافه می‌زنند. مثل عبارات چیچی به هم زننید دعوا می‌شود. حیرت نیز مورد دیگر خرافه بوده و باعث قوی شدن زمینه‌های خرافات می‌شود. مثل اتفاقاتی که باعث تعجب و حیرت افراد می‌شود که به جای یافتن یک راه‌حل مناسب دست به دامان رمالان و دعانویسان می‌شوند. اگر بشتر از ابتدا قدرت بر خورد منطقی و دانش و آگاهی به جای بهت و حیرت در مقابله با هیجانات خود را داشت مسلماً خرافات شکل نمی‌گرفت. خرافات از لحاظ آسیب‌هایی که بر فرد و اجتماع وارد می‌سازد به چند دسته تقسیم می‌شود

خرافات فردی که شامل عقاید واهی بوده و افراد خاص یا اقلیت خاص به آن معتقد هستند و زبان آن مستقیماً روی زندگی فرد به‌طور غیر مستقیم دامن گیر جامعه است. به‌طور مثال می‌توان از آسیب‌هایی که خرافات در زندگی شخصی می‌گذارد به‌صرف هزینه‌های گزاف و بیهوده برای فال‌بینی و کف‌بینی و طالع‌بینی نام برد و اینکه فرد در مواجهه با مشکلات به وجود آمده به جای تفکر و انتخاب یک راه‌حل مناسب با مراجعه